

## فرهنگ ادبیات و هنر

### دنگ

## سرقت سرگرم‌کننده

### کامیلو کابیلو



کامیلا کابیو، هنرمند کوبایی آمریکایی پس از آن‌ که فاش کرد هنگام دیدار ماه گذشته خود، چیزی از کاخ کنزینگتون درزیده است، از شاهزاده ویلیام و کیت میدلتون عنذرخواهی کرد که واکنش خاندان سلطنتی را در پی داشت.

هنگام حضور در برنامه «صحانه با گرگ جیمز» از رادیو یک بی‌بی‌سی، کابیو به یاد آورد مجری برنامه به عنوان بخشی از مراسم «قهرمانان نوجوان رادیو ۱» به او گفته اگر جرات می‌کند هنگام دیدار از کاخ مدادی را بدزد. کابیو گفت: و من گفتم آیا واقعا این قدر جدی مرا به چالش دعوت می‌کنی و وقتی آدم به چالشی جدی دعوت می‌شود نمی‌شود از زیر آن شانه خالی کرد.

بر اساس گزارش ایندپندنت، به گفته این خواننده، بعد از این که آقای جیمز یکی از کارمندان کاخ را از این سرقت باخبر می‌سازد خانم کابیو برای این‌که به دردسر نیفتد مداد را در کیف مادرش قایم می‌کند و با وجود اصرار مادرش که گفته باید مداد را برگردانند کابیو به او توضیح داده به چالشی جدی دعوت شده و باید مداد را نگاه دارد.

کابیو گفت: بنابراین من هنوز آن مداد را دارم و خیلی از ویلیام و کیت معذرت می‌خواهم و اضافه کرد شب گذشته نتوانسته بخوابد تا به این دزدی اقرار کرده واز عذاب وجدان خلاص شود. اقرار و معذرت خواهی این خواننده باعث واکنش دوک و دوشس کمبریج شد. آنها در پاسخ به ویدیویی که توسط رادیو یک بی‌بی‌سی در یوتیوبر منتشر شده بود تنها یک ایموجی از جفتی چشم توییت کردند.

## رنگ و بوم

### موتزارت به ۴ برابر قیمت



پُرتِره کمیابی از «موتزارت». موسیقیدان نامدار اتریشی. در شعبه پاریس حراجی کریستیز با چهار برابر قیمت برآورده شده اولیه به فروش رفت.

به گزارش ایسنا و به نقل از رویترز، این تابلو نقاشی که پرتِره نادری از موتزارت است با قیمت تخمینی ۸۰۰ هزار الی ۱/۲ میلیون یورو قیمت‌گذاری شده بود، اما در نهایت به قیمت چهار میلیون یورو به فروش رفت.

این یکی از چهار پرتِره‌ای است که در تمام طول دوران زندگی این موسیقی‌دان او کشیده شده است و بخشی از یک مجموعه هنری خصوصی محسوب می‌شود. این نقاشی به جیانیتینو سینارولی، نقاش ایتالیایی در سال ۱۷۲۰ میلادی نسبت داده شده است.

این تابلو نقاشی رنگ روغن، موتزارت ۱۳ ساله را در حالی که کلاه‌گیس سفیدی به سر و کت قرمزی به تن دارد را در حال نواختن پیانو به تصویر می‌کشد.

رئیس دپارتمان استادان قدیمی شعبه پاریس حراجی کریستیز گفت: آنچه درباره این نقاشی بسیار جالب است نت‌های موسیقی است و برخی موسیقی‌شناسان معتقدند اثر می‌تواند اثر خود موتزارت باشد.

در زمانی که این تابلو نقاشی از موتزارت کشیده شد، این موسیقیدان اتریشی برای ادامه مراحل یادگیری موسیقی به ایتالیا سفر و در سراسر این کشور کنسرت برگزار می‌کرد.

این تابلو نقاشی به سفارش یک ژنرال ونیزی پس از آن‌ که موتزارت کنسرتی را در شهر ورونا اجرا کرد، خلق شد؛ چرا که این ژنرال به شدت تحت تاثیر استعداد موتزارت قرار گرفته بود.

حراجی ساتبیز نیز اخیرا از به فروش گذاشتن صفحه دست‌نویسی از نت‌های یک قطعه دو دقیقه‌ای که توسط موتزارت نوشته شده بود، خبر داد. موتزارت در سال ۱۷۵۶ در شهر زالتسبورگ اتریش متولد شد و در سال ۱۷۹۱ در ۳۵ سالگی درگذشت.

### کار چکناواریان برای دفاع مقدس

ارکستر سمفونیک تهران جدیدترین اجراهای خود را حضور لوریس چکناواریان به‌عنوان رهبر مهمان و همراهی گروه کر بنیاد رودکی به رهبری رازمیک اوحنیان را شب گذشته در تالار وحدت روی صحنه برد. آن‌طور که هنرآتلاین نوشته این برنامه در دو بخش اجرا شده که بخش اول با اجرای سوییت سمفونیک دفاع مقدس همراه بوده و بخش دوم به اجرای قطعه صلح و دوستی و چند قطعه دیگر اختصاص داشته است.



لوریس چکناواریان، رهبر ارکستر سمفونیک تهران

انتساب جعلیات به دیگران، فراتر از پیش رفته و این فقط به شاعران بسیار معروف مثل مولانا یا نیما یا حتی شاعران عامه‌پسندی چون حسین پناهی محدود نیست؛ شعری در شبکه‌های اجتماعی به **محمود شجاعی** منتسب شده‌که مطلقا به یو طبقای شعری او ربطی ندارد. شجاعی از شاعران در اقلیت و یکی از اعضای گروه «شعر دیگر» بود



## آمار تازه‌ای از حجم گسترده انتشار شعرهای جعلی منتسب به شاعران ارائه شده و ما از یک روان درمانگر پرسیده‌ایم انگیزه‌های روانی و اجتماعی این جاعلان چیست؟

# جاعلان وقیح شوکران



## آمار تازه‌ای از حجم گسترده انتشار شعرهای جعلی منتسب به شاعران ارائه شده و ما از یک روان درمانگر پرسیده‌ایم انگیزه‌های روانی و اجتماعی این جاعلان چیست؟

# جاعلان وقیح شوکران

دیگر نه حرف تازه‌ای است و نه به عنوان پدیده‌ای نو ظهور می‌توان از آن یاد کرد؛ با این حال نمی‌توان دست روی دست گذاشت و روز به روز و سال به سال صرفا به قطورتر شدن تنه این ابتذال چشم دوخت. حالا دیگر انتساب گسترده و وقاحت بار شعرهایی جعلی به شاعران، قدمتی دست کم هم اندازه یاکوفتن شبکه‌های اجتماعی دارد. طبعاً پیش از این‌ها نیز عده‌ای دست در کار انتساب غزلیات به شاعران بوده‌اند، اما گسترش دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و بروز پدیده شهروند / تولیدکننده محتوا، چنین عارضه‌ای را رو خیم‌تر کرده است. این و خامت، از دو سو در حال شدت گرفتن است؛ تولیدکنندگان محتوا در فضای مجازی، بابت محتوایی که عرضه می‌کنند به هیچ‌کس جز خود پاسخ‌گو نیستند و قاطبه کسانی که محتوای مورد نیازشان را از اینستاگرام و تلگرام و… کسب می‌کنند، اهل راستی‌آزمایی و بررسی صحت و سقم اطلاعاتی که دریافت می‌کنند نیستند. بروز همین وضع، به بیشتر دست‌به‌دست‌شدن جعلیات انجامیده و شبکه‌ای تودرتو و پرپلا به از توزیع‌کنندگان بی‌چیره و مواجب محتواهای جعلی شکل گرفته است. از همه این‌ها وخیم‌تر، نفوذ انتشار چنین جعلیاتی به عرصه‌های رسمی است؛ از کتاب‌های درسی و کمک‌درسی گرفته تا رسانه‌های

معتبر رسمی. اخیراً شعری منتسب به قیصر امین‌پور در یکی از کتاب‌های کمک‌آموزشی موسسه‌ای معروف منتشر شد و صدای خانواده قیصر را درآورد و ماجرای انتشار اثری منتسب به هوشنگ ابتهاج با صدای علیرضا قربانی در آلبوم «افسانه چشم‌مانت» را هم که شنیده‌اید.

لا بد شما هم بارها به جمله‌هایی بی‌مایه و سخیف اما ظاهراً پندآموز و حکمت‌آلود برخورد‌ه‌اید که به مولانا، سهراب سپهری، فرانتس کافکا، حسین پناهی و دیگران نسبت داده شده است. اگر دل در گروی ادبیات دارید و این گروکاری را به پیش از علاقه صرف تسری داده‌اید، حتما در رمان نگاه نخست متوجه می‌شوید که چنین مزخرفاتی نمی‌توانند از کاتالیزور آذهان درخشانی چون فرانتس کافکا یا صادق هدایت صادر شده باشد، اما خب جعلی‌ها جاهایی را نشانه می‌روند که آگاهی ورود چندانی به ساختشان نداشته است.

امروز به بهانه آمار تازه‌ای که «کمپین مبارزه با نشر جعلیات» از یافته‌های جدیدش ارائه داده، سراغ این موضوع مکرر رفته‌ایم و از جمله خواسته‌ایم بدانیم انگیزه کسانی که جعلیات را به دیگران نسبت می‌دهند چیست؛ تا حالا به این فکر کرده‌اید که تولیدکننده محتوایی جعلی، چه هدفی از انتساب آن به دیگران دارد؟ پاسخ این پرسش را از

کوروش ساسانی، که روان‌درمانگر است و چند کتاب درباره ادبیات و روان‌کاوی ترجمه کرده‌خواسته‌ایم.

جز فعالیت‌های کمپین مبارزه با نشر جعلیات، فعالیت‌های دیگری هم برای مقابله با انتشار جعلیات صورت گرفته است؛ مثلاً چند سال پیش، یکی دو کانال تلگرامی، در واکنش به انتشار این جعلیات، جملاتی خنده‌دار را پرداختی گرافیکی کنار این جعلیات می‌گذاشتند و منتشر می‌کردند تا جاعلان را دست ببندازند.

### از نگاه روان‌درمانگر

**کوروش ساسانی** را در چند سال اخیر با تحلیل‌های روان‌کاوانه‌اش از مسائل هنر و ادبیات ایران شناخته‌ایم. در تحلیل‌های او، آسیب‌هایی اجتماعی که گریبانگیر مقولات هنری و ادبی می‌شوند، فراتر از مساله‌ای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند و پا در ساحت روان‌کاوی می‌گذارند. همین باعث شده تا بتوانیم مصداق‌هایی از بغرنج‌های هنرو ادبیات را گاه با او در میان بگذاریم. این بار هم با او هم تماس گرفتیم تا بپرسیم کسانی که شعر یا متنی را به نام دیگران منتشر می‌کنند چه سودایی در سر دارند.

این مترجم در پاسخ، دو انگیزه را مطرح می‌کند:

### ترجمه کتاب دیگری از نویسنده «صداهایی از چرنوبیل»

اگر کتاب «صداهایی از چرنوبیل» را خوانده‌اید، خبر خوبی برایتان داریم و آن این‌که کتاب دیگری از پنج‌گانه «صداهایی از آرمانشهر» سوتلانا آلکساندرونا آلکسیویچ برنده نوبل ادبیات به فارسی ترجمه و منتشر شده است. کتاب، «زمان دست دوم» نام دارد که عبدالمجید احمدی آن را ترجمه و نشر چشمه آن را راهی بازار کتاب کرده است.

### مبارزه با اردوگاه جاعلان

ابتدا از کمپین مبارزه با انتشار جعلیات بگوئیم که آمار تازه‌ای از یافته‌های جست‌وجوهای‌شان را منتشر کرده‌اند؛

گروهی از دانشجویان پیگیر که در معرفی خودشان می‌گویند:

«این کمپین در خرداد ۱۳۹۴ به همت جمعی از دانشجویان ادبیات

فارسی، تاریخ و جامعه‌شناسی دانشگاه تهران تشکیل شد. هسته مرکزی این گروه را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که از نشر جعلیات در فضای مجازی نگران و از عواقب فرهنگی آن آگاه هستند. وظیفه اصلی این گروه، جمع‌آوری آثار منسوب به بزرگان ادبیات و شخصیت‌های تاریخی در فضای مجازی و بررسی صحت انتساب آنهاست. در صورتی که نادرستی اثری محرز شود، آن اثر با مهر جعلی منتشر می‌شود؛ همچنین در صورت مشخص شدن صاحب اصلی اثر، متن مورد نظر در قالبی با مهر اصلی قرار می‌گیرد. پیامدهای مخرب جریان جعل را بارها کمپین گوشزد کرده است؛ امیدواریم با فعالیت‌های کمپین، حساسیت به نام مؤلف در مخاطبان فضای مجازی ایجاد و حق مؤلف به رسمیت شناخته شود. فعالیت کمپین کاملاً خودجوش و داوطلبانه و محتویات آن حاصل کار گروهی و شبانه‌روزی اعضاست. به فضل خدا، این کمپین تاکنون مورد استقبال طیف قابل توجهی از طرف اهل هنر و فرهنگ قرار گرفته است. علاوه بر دانشجویان، استادان برجسته دانشگاه، شاعران، روزنامه‌نگاران و نیز نمایندگان برخی بزرگان ادبی به این گروه پیوسته‌اند». آنها در تلگرام نزدیک به ده هزار دنبال‌کننده دارند و در اینستاگرام و دیگر شبکه‌ها نیز فعالیت می‌کنند. تازه‌ترین آماری هم که ارائه داده‌اند، مبتنی است بر شناسایی ۵۵۷ اثر جعلی منتسب به دیگران. بدیهی است که این عدد، نشان‌دهنده همه شؤن فاجعه‌ای که رخ داده نیست؛ از جمله این‌که همین عکس اصلی گزارش امروز ما که به شعری منتسب به محمود شجاعی مربوط است در چنین آماری، محاسبه نشده است.



کاش می‌شد زندگی تکرار داشت  
لااقل تکرار را یکبار داشت  
ساعتم برعکس می‌چرخید و من  
بر تنم می‌شد گشاد این پیرهن  
آن دستان، کودکی، سرمشق آب  
پای مادر هم برپای جای خواب  
خود برون می‌کردم از دلواپسی  
دل نمی‌دادم به دست هر کسی  
هر کسی که کرد ما را فاصله  
شد شریک دزد و بار قافله  
عمر حسنی، خوب و بد بسیار نیست  
حیف هرگز قابل تکرار نیست

منتشر شده به نام: **نیما یوشیج**

۵

## ۱

### می‌خواهند پول دربیاروند

شبکه‌های اجتماعی میل به تأیید شدن و در اینجا لایک گرفتن را در کاربران خود تقویت کردند. این، از منظر اقتصادی نیز قابل بررسی است؛ لایک و دنبال‌کننده می‌گیرند تا بعدها از راه صفحه‌شان تبلیغ و به همین فراخور درآمد کسب کنند. کسانی که متن یا شعری را به نام دیگران جعل می‌کنند، می‌توانند از همین مسیر و با این انگیزه وارد عمل شوند و طرفدار جمع کنند.

## ۲

### می‌خواهند دیده‌شوند

گاهی هم ممکن است آدم‌ها در شبکه‌های اجتماعی برعکس عمل کنند؛ یعنی ابتدا چیزی بنویسند و به نام شاعری بزرگ منتشرش کنند و پس از مدتی که آن نوشته خوب در شبکه‌های اجتماعی چرخید و دست‌به‌دست شد، ادعا کنند که آن متن را آنها نوشته‌اند و به نام دیگران منتشر شده است. به این صورت ابتدا با انتساب متنی که نوشته‌اند به شاعری معتبر، مشروعیت می‌گیرند و سپس ادعا می‌کنند که آن نوشته از آن خودشان است. این انگیزه، خلاف انگیزه نخست که بیشتر اقتصادی به نظر می‌رسد، مبتنی است بر میل آدم‌ها به بیشتر دیده‌شدن.

# جیمز جویس در نوفل‌لوشاتوی تهران

گرفته این نمایش را بی‌کلام اجرا کند، گفت؛ این نگاه به دغدغه همان هشت سال پیش که تصمیم به اجرای این فمایش گرفتم باز می‌گردد؛ یکی از دلایل این است که در نظر داشتم تمرکز روی بازی‌ها باشد، ضمن اینکه

آثار جویس، خواننده را بسیار درگیر متن می‌کند و آتارش مملو از معما و چیستان است و از آنجا که این موضوع در مان پررنگ و زیاد است به منظور اجرای صحنه‌ای به سمت مینی‌مال رفتیم و این پاردوکس حذف متن و دیالوگ بهتر به نظر رسید. ضمن اینکه در این نمایش از گونه‌های نمایش آئینی سنتی همچون یداری، شنیداری و بویایی بهره گرفته‌ایم.

هرآیینی در پایان صحبت‌هایش گفت؛ این نمایش به صورتی است که همه تماشاگران با آن ارتباط برقرار خواهند کرد اما افرادی که رمان را خوانده‌اند دریافت بهتری از این اثر خواهند داشت. با تمام پیچیدگی‌های رمان شاید اجرا به نظر مخاطب ساده بیاید که این مسئله به عمد بوده و تماشاگر باید این نمایش را با دید، پایه و اساس مینی‌مال ببیند. علاقه‌مندان به منظور تماشای این اثر می‌توانند بلیت آن را از سایت تیوال تهیه کنند.

جیمز جویس استفاده شده و فضای سیال ذهنی که مختص این نویسنده ایرلندی است در این اثر رعایت شده است. آثار جیمز جویس پیچیدگی خاصی دارد که ما از دل آن به سادگی رسیدیم.

این کارگردان ضمن اشاره به این‌که طنزی که جیمز جویس در آتارش دارد در این نمایش نیز وجود دارد، گفته؛ فضای اجرایی این اثر مینی‌مال و بدون دکور است و نمایش برپایه بازی بازیگران و موسیقی پیش می‌رود. موسیقی و افکت نقش پررنگی در این اثر دارد و با یک گیتار به صورت زنده در طول نمایش نواخته می‌شود. او خلاصه داستان نمایش چهره مرد هنرمند در جوانی را هم چنین توضیح داده؛ داستان این رمان اتوبیوگرافی از زندگی‌نامه جیمز جویس از دو سالگی تا ۲۰سالگی است. نویسنده روایت رمان را با ذهنیات استیون ددالوس ادغام کرد و روایتی از دوران کودکی، مدرسه و زمانی که تحت تاثیر کلیسای کاتولیک قرار می‌گیرد و به فلسفه تازه‌ای از خودش می‌رسد، می‌پردازد. من به آثار جیمز جویس بسیار علاقه‌مندم و این رمان که دراماتورژی، آدآپته و به صورت کمزنک ایرانیزه شده و به نمایشنامه تبدیل شده، دغدغه امروز جامعه ماست. او درباره اینکه تصمیم

خیلی‌ها معتقدند مهم‌ترین داستان نویسی که جهان تا کنون به خود دیده، جیمز جویس ایرلندی بوده است.

این باور حتی تنها ناظر بر رمان «اولیس» او اعاده می‌شود. در حالی که جویس، آثار درخشان دیگری هم نوشته است، از جمله «چهره مرد هنرمند در جوانی» که حالا در یک نمایش ایرانی مورد اقتباس قرار گرفته است؛ نمایشی به همین نام که مصطفی هرایینی آن را نوشته و طراحی و کارگردانی کرده و از ۳ آذر هر شب ساعت ۱۸ در سالن صنوبر پردیس تئاتر شهرزاد در خیابان نوفل لوشاتو روی صحنه برده است. در این نمایش، ایمان صیاد برهانی و محمد برهمنی بازی می‌کنند.

هرایینی که این نمایش را پیشتر سال ۹۱ نیز در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان اجرا کرده با خبرنگار هنرآتلاین درباره این نمایش

به گفت‌وگو نشسته است.

در بخشی از این گفت‌وگو، او به رمان چهره مرد هنرمند در جوانی اشاره کرده و این‌که نمایش‌اش، برداشتی از این رمان جیمز جویس است و گفته؛ پنج فصل این رمان با این نمایش روی صحنه می‌رود. این نمایش بی‌کلام است و بیش از ۶۰ صحنه و ۲۴ نقش دارد که توسط دو بازیگر اجرا می‌شود. در این نمایشنامه از بخش‌هایی از دیالوگ‌های رمان



سوتلانا آلکساندرونا آلکسیویچ، نویسنده کتاب «صداهایی از چرنوبیل»

